



مصاحبه با
حجة الاسلام والمسلمین
محمد عبائی

حوزه: با سیاسی قراوان از لطف حضرت عالی که
قبول زحمت فرمودید و مصاحبه با مجله را پذیرفتید،
لطفاً، شرحی کوتاه از زندگی علمی و سیاسی خود

پوشگاه دانشیاد با اشعار و اشعار فریبگی

استاد: اینجانب در سنه ۱۳۱۸ در مجله سناباد مشهد، در خانواده‌ای روحانی، چشم
به جهان گشودم.

ادبیات و سطح را در نزد پدرم، حجة الاسلام والمسلمین حاج میرزا حسین عبائی و
مرحوم دائیم، آیه الله سید علی رضوی و ادیب نیشابوری و مرحوم آیه الله میرزا احمد
مدرس یزدی و آیه الله حاج شیخ هاشم قزوینی، فرا گرفتم.

پس از اتمام سطح، یک سال و نیم در درس خارج فقه و اصول حضرت آیه الله
العظمی میلانی و چندی هم در درس خارج اصول مرحوم قزوینی شرکت کردم.

در سال ۱۳۴۰ به حوزه علمیه قم مشرف شدم. در این حوزه، از محضر آیات عظام: مرحوم بروجردی، حضرت امام، رضوان الله تعالی علیه، مرحوم داماد، مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری، رضوان الله تعالی علیهم، و حاج میرزا هاشم آملی، حفظه الله، بهره بردم.

در بُعد سیاسی اجتماعی، از آغاز نهضت، به پیروی از حضرت امام، به اندازه توان، در عرصه های گوناگون، شرکت داشته ام، که امیدوارم مورد قبول خداوند بزرگ و رضایت امام زمان قرار بگیرد.

حوزه: لطفاً درباره نقش تبلیغات و اهمیت آن، بویژه در دوران معاصر، توضیح دهید.

استاد: ارشاد و هدایت مردم و جامعه، نسبت به برنامه های دین و دنیا، این سرا و آن سرا، از اصول رسالت انبیاء است و در زمان انبیاء، گروندگان واقعی دعوت رهبران الهی (امت) پس از این که خود راه حق را یافتند، ارشاد جامعه و دعوت مردم را اولی ترین وظیفه خود می دانند. خداوند، در قرآن مجید، از ایمان آورنده ای که پس از درک درستی گفتار فرستادگان حضرت عیسی «ع»، با جدیت و تلاش بیش از اندازه در هدایت جامعه می کوشند، تجلیل می کند:

«وجاء من اقصی المدینة رجل یسعی قال یا قوم اتبعوا المرسلین اتبعوا من

لا یسئلكم اجرا وهم مهتدون ومالی لا اعبد الذی فطرنی والیه ترجعون.»

مردی از دور دست شهر، دوان دوان آمد و گفت: ای قوم من، از این رسولان پیروی

کنید. از کسانی که از شما هیچ مزدی نمی طلبند و خود، مردمی هدایت یافته اند،

پیروی کنید. چرا خدایی را که مرا آفریده و به نزد او باز گردانده می شوید، نپرستم؟

بویژه در عصر غیبت ولی عصر «عج»، که برنامه تبلیغ و ارشاد، به عهده امت، بویژه

علما و روحانیون، قرار گرفته است. در بعضی از روایات افرادی که احکام خدا را

نمی دانند و از امام و رهبر دینی خود دورند به عنوان «یتیم» یاد شده اند.

«اشد من یتیم الذی انقطع عن ابيه یتیم الذی انقطع عن امامه.»



سپس امام عسکری «ع» پس از نقل عبارات بالا از رسول الله «ص»، اضافه می‌کند: هر کس آن جاهل را ارشاد کند و احکام و مذهب به او بیاموزد، در جایگاه الهی با ما همراه خواهد بود.
قرآن مجید، می‌فرماید:

«ومن احسن قولاً ممن دعا الى الله وعمل صالحاً وقال اننى من المسلمين»^۳.

چه کسی را سخن نیکوتر از سخن آن که به سوی خدا دعوت می‌کند و کارهای شایسته می‌کند و می‌گوید: البته که من از مسلمانانم.
این آیه مبارکه دلالت دارد که دعوت مردم به دین خدا از بهترین واجبات و اطاعتهاست.

امام علی «ع» فرموده است:

«لما بعثنى رسول الله الى اليمن قال: يا على: لا تقاتل احداً حتى تدعوه الى الاسلام وایم الله، لئن يهدى الله على يدك رجلاً خيراً مما طلعت عليه الشمس»^۴.

زمانی که رسول خدا «ص» مرا به سوی یمن فرستاد، فرمود: با هیچ کس پیکار مکن مگر این که نخست او را به اسلام فراخوانی. به خدای سوگند، اگر خداوند به دست تو یک مرد را هدایت کند برتر است برای تو از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد.

حضرت امیر «ع» یکی از پایه‌های اجتماعی جامعه را: «عالم ناطق، دانشمند و دانا گویای عامل» می‌داند:

«قوام الدین والدنیا باریعة بعالم ناطق مستعمل علمه»^۵.

ارکان دین و دنیا بر چهار چیز استوار است: ۱. عالم و دانشمندی که عامل به دانش خویش باشد و آن را به کار گیرد.

ارزش تبلیغ از نظر پیامبران الهی، در رتبه‌ای است که حضرت موسی «ع» تکمیل ابزار آن را ضمن دعای خود از خدا می‌خواهد:

«واحلل عقدة من لسانى بفقها قولی»^۶.

گره از زبان من بگشای، تا گفتار مرا بفهمند.

با یک نگاه گذرا به قرآن مجید و توجه به جملات تبلیغ، مانند:



«ابلفکم رسالات ربی وانصح لکم.»^۷

پیامهای پروردگارم را به شما می‌رسانم و شما را اندرز می‌دهم.

«ابلفکم رسالات ربی وانا لکم ناصح امین.»^۸

پیامهای پروردگارم را به شما می‌رسانم و شما را اندرزگویی امینم.

«ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة وجاد لهم بالآتی هی

احسن.»^۹

مردم را با حکمت و اندرز نیکوبه راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن.

«الذین یبلغون رسالات الله ویخشونه ولا یخشون احداً الا الله.»^{۱۰}

کسانی که پیامهای خدا را می‌رسانند و از او می‌ترسند و از هیچ کس، جز او، نمی‌ترسند...

که درباره انبیاء الهی آمده به ارزشمندی تبلیغ که پیش‌تاز آن پیامبراند، می‌توان پی برد. نقش تبلیغ به مرحله‌ای است که دروغین و باطل آن چه بسا در یاران حق نیز، مؤثر می‌افتد. یاران و دوستان حضرت علی «ع» که در برهه‌ای از زمان از یاران مولی امیرالمؤمنین بودند و امام را در مقابل اصحاب جمل و پیکار بصره (ناکثین) یاری کردند، با حضور حضرت مولی امیرالمؤمنین «ع» در بین آنان تحت تأثیر تبلیغات دروغ معاویه قرار گرفتند و باطیل و تهمتها و نسبتهای ناروای کارگردانان رژیم اموی در آنان مؤثر افتاد که در این رابطه مولی، با نهایت تأثر، می‌فرماید:

«این تذهب بکم المذاهب وتنبه بکم الغیاب وتخذعکم الکواذب ومن این

توثون وآتی توفکون.»^{۱۱}

آخر این روشهای گمراه کننده، شما را به کجا می‌کشد؟ تاریکی‌ها و ظلمتها، تا کی شما را متحیر می‌سازد؟ دروغ پردازیه‌ها تا کی شما را می‌فریبند؟ از کجا در شما نفوذ می‌کنند. و چگونه شما را اغفال می‌کنند.

و ما نباید تنها به بودن خود بسنده کنیم و این که برای نابودی باطل تنها باطل بودن کفایت می‌کند، زیرا قرآن کریم، ضمن بیان اثر تبلیغات سوء و القای دشمنان راه حق، هشدار می‌دهد:

«وَكذلك جعلنا لكل نبيّ عدواً شياطين الانس والجن يوحى بعضهم الى بعض زخرف القول غرورا ولولياء ربك ما فعلوه فذرهم وما يفترون ولتصغي اليه افئدة الذين لا يؤمنون بالآخرة وليرضوه وليقتروا وما هم بمقترون»^{۱۲}»

و همچنین برای هر پیامبری دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار دادیم. برای فریب یکدیگر، سخنان آراسته القا می کنند. اگر پروردگارت می خواست، چنین نمی کردند. پس با افترابی که می زند، رهایشان ساز تا با آنان که به قیامت ایمان ندارند، گوش دل را بدان سپارند و پسندشان افتد و هر چه در خورشان هست انجام دهند.

دنیای معاصر، بویژه استکبار جهانی به تبلیغات، توجه خاص نموده و برای آن بودجه بندی ویژه ای می کند.

تبلیغات منظم و رشد یافته است که توانسته مسیحیت کنونی را، بدون داشتن هیچ محتوای قابل قبولی از نظر جهان بینی و ایدئولوژی و حتی با داشتن دهها و صدها اشتباه بین و تضاد و تناقضهای بسیار، حفظ کند و بیش از یک میلیارد از مردم دنیا را مسیحی نگهدارد.

استکبار جهانی شرق و غرب و صهیونیسم بین المللی، از سالها قبل، دست به تأسیس هزارها شبکه رادیویی و تلویزیونی زد. هرکجا شبکه ای بود یا خرید و یا شریک شد. همیشه نقش اول رادار استخدام مغزها و اندیشه های کارآمد در تبلیغ و ایجاد روزنامه و مجلات کثیرالانتشار، که گاهی تیراژ ده میلیون نسخه در هر شماره به خود اختصاص می دهند، دارد ما به وضوح تأثیر این امر را در جنگ ایران و عراق و حق و باطل دیدیم، که موضوع به این روشنی را، یعنی حمله ناجوانمردانه عراق و جنایات صدام و حامیانش را، گاهی برای بهترین دوستان خود از کشورهای اسلامی، به دلیل بمباران تبلیغات مسموم و انحرافی در دنیا، نمی توانستیم ثابت کنیم که بناچار امامان و به دنبال آن انقلاب و ملت خوب ایران کاسه زهر نوشیدند...

روزنامه لوموند در ۱۵ نوامبر ۱۹۸۴ نوشت: از طرف سیا، دهها انستیتو و مؤسسه تحقیقاتی در امریکا کار مطالعه درباره اسلام و تشیع را آغاز نموده اند تا خود را برای مقابله با آن و ایجاد انحرافات در میان مسلمانان آماده کنند.

در سال ۱۹۸۰ در شوروی ۲۴ نشریه ضد مذهبی و ضد اسلامی وجود داشت. در سال ۸۳ به ۳۷ و در سال ۸۴ به ۷۲ نشریه رسید. از این تعداد ۵۳ نشریه در آسیای مرکزی ۱۳ نشریه در قفقاز و ۶ نشریه در مسکو، منتشر می شد.

حوزه: با توجه به پیشرفت وسائل تبلیغی و شیوه های گوناگون آن، آیا روش تبلیغی سنتی حوزه را در ابلاغ معارف و ارزشهای والای اسلامی، به نسل امروز کافی می دانید؟ لطفاً کاستیها و نواقص آن را برشمارید؟

استاد: سلاح تبلیغ در هر زمانی به شکلی است. همانطور که پیشرفت در سلاح گرم برای بشر حاصل شده است، در سلاح سرد و شیوه های گوناگون بهره گیری از سلاح سرد، دشمن امروز، برنامه ریزیهای گوناگون دارد؛ مثلاً شما دقت کنید مسیحیت امروز از چه راهی وارد آفریقا می شود. مبشرین مسیحی زیر پوشش گروههای پزشکی، خدمات پزشکی، کارشناس امور کشاورزی و امثال اینها به نقاط محروم آفریقا می روند و با تأسیس بناهای خیریه و حسن سلوک با مردم، آنان را ابتدا به خود و اخلاق خود جذب می کنند، آنگاه تعلیمات مسیحیت را به آنان می آموزند.

امروز، رادیو، تلویزیون، سینما، تئاتر، موسیقی، طنز، شعر، نثر، روزنامه، مجله، کاریکاتور و... حرکتیهای علمی ابزار تبلیغات مثبت است، یعنی در جهت اثبات حقایق فکر مورد ارائه.

همچنانکه متقابلاً تبلیغات منفی با ابزارهای فوق، گاهی با حملات مستقیم و گاهی غیرمستقیم انجام می گیرد. باید به دو نکته در امر تبلیغات کنونی توجه کرد:

۱. عدم کفایت سخنرانی و نگارش

در تبلیغات ما، نوعاً، به سخنرانی و نگارش (آنها به طور ناقص و ابتدایی) اکتفا شده است، حال آن که زبان هنر، بویژه هنر تجسمی و تصویر گسترده تر و فراگیرتر



جاذب‌تر و مؤثرتر است.

شنیدن پیامها و یا مطالعه خطوط نگارش نوعی زبان و بیان است که هدف را به شنونده منتقل می‌کند؛ اما ذهن و خیال انسان، صورتهایی را که از خارج کسب می‌کنند بهتر می‌تواند در خود حفظ کند.

مردم از صبح تا شام، مجموعه‌ای از صورتهای رفتاری را در خانه، محل کار، جمع دوستان و... می‌بینند و به آن خومی گیرند. بهترین راه تبلیغ آن است که پیامها به بیانی ارائه شود که مردم بیشتر با آن سروکار دارند و بیشتر از آن در جهت رساندن آگاهیهای خود با یکدیگر استفاده می‌کنند.

مردم، حتی در گفتن مطلبی به یکدیگر، از شیوه‌های نمایشی استفاده می‌کنند و گفتار خود را با حرکات مخصوص سرو دست و چشم و قیافه ادا می‌کنند، پس باید برای نمایش و پیامهای بصری ارزش بیشتری قائل شویم.

فیلم به عنوان یک تجربه تکامل یافته زبان تصویری، این امکان را دارد تا در یک زمان تمام انسانها را از پیام خود برخوردار کند. کوششی که مستکبران در این راه می‌کنند در خور تأمل است. آنان مثل گذشته لازم نمی‌دانند تا کسی را بفروستند در فلان جای دنیا برای مردم سخن بگویند، تا مردم آن سامان را به راهی که می‌خواهند بکشاند، بلکه با در دست داشتن امکانات تصویری، آنچه را که خواهند به صورت فیلم در تمام نقاط دنیا پخش می‌کنند و از این راه با خرج کمتر و استفاده بیشتر به تبلیغات خود ادامه می‌دهند.

امروز تبلیغات دنیا به قدری متنوع، وسیع و فراگیر است که اکثریت چشمها و مغزها و گوش‌ها از داده‌های آنان پر شده و کمتر جایی خالی است تا بتوان از سخن و محتوایی پر کرد و به مسیری رهبری نمود.

۲. نقص شیوه موجود

نکته دیگری که در تبلیغات سنتی باید توجه شود، نوعاً یک نواختی روش سخنرانیها و نوشته‌هاست، در صورتی که همین دو روش سنتی (سخنرانی و نگارش) امروز به صورتهای گوناگون عرضه می‌شود. مسلم مطالبی که باید برای جوانان گفت با آنچه



مناسب کودکان و کهنسالان است تفاوت دارد، هرگروهی ادبیات خاص خود را دارد.

همچنین طرز بحث و مناظره با مردم عادی و افراد تحصیل کرده تفاوت دارد. جهان برای هر گروه سنی برنامه و روشی کاملاً جدا از یکدیگر و در حد اشباع تدارک دیده است. در شوروی سالانه، ۲۰۰ میلیون نسخه کتاب برای کودکان چاپ می شود و بیش از ۱۰۰ بنگاه انتشاراتی برای کودکان و نوجوانان کتاب چاپ می کند و در حال حاضر، در این کشور، سالانه حدود ۱۰ میلیون سانس فیلم برای کودکان نمایش داده می شود و روزانه ۱/۵ میلیون کودک فیلم تماشا می کنند. فقط یک مجله مخصوص کودکان، به نام عکسهای خنده دار، در تیراژ دو میلیون چاپ می شود.

حوزه: نهادهای تبلیغی که رسالت ارشاد و تبیین اندیشه الهی را برعهده دارند، به نظر حضرت عالی چه اقدامی می باید در جهت بهبود وضع تبلیغ و تربیت مبلغان انجام دهند.

استاد: به نظر من در درجه اول، باید نهادهای تبلیغی از یک برنامه ریزی واحد پیروی کنند. متأسفانه، غیر از وزارت ارشاد و رادیو و تلویزیون و سازمان تبلیغات و دفتر تبلیغات، دهها نهاد تبلیغی دیگر هم هست؛ مثلاً، سپاه، جهاد، ارتش و... این نهادها، چون جدای از یکدیگرند، هزینه بیشتری در امر تبلیغ مصرف می کنند. ولی اگر تبلیغات، در یک مرکز، متمرکز باشد، هم در هزینه صرفه جویی می شود و هم از حیث محتوا، به خاطر برنامه ریزی و مدیریت واحد و متمرکز، غنی خواهد شد. بنابراین، اولین گام در راه بهبود امر تبلیغ، مرکزیت واحد و اجتناب از تعدد مراکز تصمیم گیری است. اگر برای مسؤولین این حرکت ممکن نیست، لااقل، شرح وظایف این مراکز تبلیغی



را تعیین کنند. هر گروه و نهادی عهده‌داریکی از شاخه‌های تبلیغی بشود: گروهی عهده‌دار تبلیغات خارجی، گروهی داخلی، گروهی کودکان و... تبلیغ یک فن است، فن بسیار دقیق و ظریف؛ از این روی، در امر تبلیغ، باید به آمار، بسیار بها داد. برنامه ریزی، باید بر اساس آمار برنامه ریزی کند وگرنه دست اندرکاران تبلیغ، موفق نخواهند شد. پس از این مرحله، مرحله محتواست. در زمان جنگ، ما به یک سلسله مطالب در امر تبلیغ نیاز داشتیم و اکنون که زمان بازسازی است به یک سری مطالب دیگر نیازمندیم. و یا محتوای تبلیغ برای داخل با آنچه که برای خارج تدارک دیده می‌شود، باید متفاوت باشد.

کشورهای مسلمانی هستند که در آغاز حرکت و تحوّلند و کشورهایی هستند که مقداری از راه را پیموده‌اند، واضح است که محتوای تبلیغ باید برای این کشورها، همسان نباشد.

کشورها، منطقه‌ها، مردمان و مشکلات هر منطقه و مردم باید دقیقاً بررسی بشود و طبق نیازها، برنامه ارائه بشود. خلاصه مطلب، موفقیت تبلیغ مرهون نکاتی است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. مرکزیت و یا تفکیک حوزه‌های مسؤولیت.

۲. برنامه ریزی در امر تبلیغ.

۳. شناخت مخاطبین و ارائه برنامه‌های مخصوص به آنان. *مطالعات فرهنگی*

۴. استفاده از کارشناسان و مشاوران قوی.

امروز موفقیت مسیحیت مرهون دقت و برنامه ریزی دقیق است.

یکی از دوستان، که سالها پیش، مدتی سفیر بود، می‌گفت: دایره تبلیغات کلیسا، برای تمام شهرها و بخشها، نقشه و شناسنامه مخصوص دارند. به این ترتیب: تعداد جمعیت، طرز تفکر، مسلمان: شیعه یا سنی و...

برای هر فرقه و تفکر حاکم بر فرقه‌ها و... برنامه مخصوص دارند.

قبل از انقلاب اسلامی ایران، از طرف کلیسا، مبلغین و مبشرینی در آفریقا، انجام وظیفه می‌کردند؛ اما پس از انقلاب، دایره تبلیغات، تمام آنان را فرا خواند و نیروهای آموزش دیده جدیدی را فرستاد که بتوانند باین حرکت و تحوّل جدید، مقابله کنند.



طرحها و برنامه‌ها فراوان است؛ لکن، به نظر بنده، باید از کارشناسان امور تبلیغی، از هنرهای، مجمعی تشکیل شود تا از مجموع طرحها و برنامه‌های موجود و با مطالعه و تحقیق روی نهادهای تبلیغی دشمنان، طرحی جامع را به جامعه اسلامی و حوزه‌های علمیه ارائه نمایند.

حوزه: مبلغ اسلامی از چه شرائط و ویژگیهایی باید برخوردار باشد و بویژه در این زمان به چه ابزاری باید مسلح شود؟

استاد: مبلغ، باید از لحاظ علمی، اخلاقی، فصاحت و بلاغت، فردی قوی باشد. در اینجا به برخی از شرایط مبلغ (مبلغ سنتی) اشاره می‌کنم:

۱. آشنایی دقیق به اصول عقاید استدلالی و علم کلام، بخصوص، کلام جدید.
 ۲. آشنایی با دانشهای حوزوی، از جمله: نحو، صرف عربی، منطق، معانی بیان، فقه و اصول، تفسیر، حدیث، تاریخ اسلام، تاریخ ادیان و...
 ۳. آشنایی با علم اخلاق و دانستن شیوه‌های آراستن باطن و کنترل غرائز؛ زیرا راه مبلغ، راه پیامبر اسلام است که فرمود: «يُبْعَثُ لِتَمَمِّ مَكَارِمِ الْاِخْلَاقِ».
 ۴. آشنایی با اصول عمومی جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی منطقه.
 ۵. آشنایی با اصول عمومی روانشناسی و روانشناسی تبلیغی.
 ۶. آشنایی با مسائل سیاسی اجتماعی.
 ۷. آشنایی با جغرافیای سیاسی، طبیعی و منطقه‌ای.
 ۸. آگاهی از فنون نویسندگی.
 ۹. آگاهی از فنون سخنرانی.
- آنچه بر شمرديم، مبلغ، برای ورود به جامعه و «حلّ و حلول» در «بلد» بایستی دارا باشد. اینها ابزار «حلول و ورود» است.
- از قرآن مجید که می‌فرماید:

«لَا اَقْسَمُ بِهَذَا الْبَلَدِ وَاَنْتَ حَلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ»^{۱۳}.

قسم به این شهر و تو در این شهر سکنا گرفته ای. استفاده می شود که باید باروان مردم و جامعه در آمیخت و با افکار و اندیشه ها و آداب آنان کاملاً آشنا شد و براساس و اسلوب زندگانی آنان زندگی کرد:

«إِذَا دَخَلْتَ بِلْدَةَ فِعَالِشْر بَادِئِهَا».

البته مبلغ باید به وسیله ابزاری که در دست دارد، با سنتها و آداب نادرست مبارزه کند، منتهی بعد از شناخت و مطالعه و بررسی راه حلها و... آنچه عرض کردم، شرایط عمومی یک مبلغ است. قرآن کریم، ویژگیهایی را برای مبلغ دین و شرایطی را برای موفقیت آن برمی شمارد که به اجمال، به برخی از آنها اشاره می کنم:

۱. تفقه در دین

قرآن کریم، در این زمینه می فرماید:

«فَلَوْلَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»^{۱۴}.

چرا از هر گروهی دسته ای به سفر نروند تا دانش دین خویش را بیاموزند و چون بازگشتند، مردم خود را هشدار دهند.

من شنیدم که: حضرت آیه الله بروجردی می گفتند: مبلغ باید مجتهد باشد.

شوربشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲. هدایت یافته باشد

«ضرب الله مثلاً رجلین احدهما ابکم لایقدر علی شی و هو کلّ علی. مولیه اینما یوجهه لأیات بخیر هل یستوی هو ومن یأمر بالعدل وهو علی صراط مستقیم»^{۱۵}.

خدا مثل دو مرد را بیان می کند که یکی لال است و توان هیچ چیز ندارد و بار دوش مولای خود است، هر جا که او را بفرستد، هیچ فایده ای حاصل نمی کند. آیا این مرد با آن کس که مردم را به عدل فرمان می دهد و خود بر راه راست می رود، برابر است؟ نکته ای که در این آیه شریفه هست، این که: هدایت کننده، باید خود علی صراط مستقیم باشد و آلا، «خفته را خفته کی کند بیدار».

۳. مطابقت عمل با گفتار

در این موضوع، که باید عمل، طبق گفتار باشد، آیات فراوانی داریم که در اینجا به دو آیه اشاره می‌کنیم:

«كَبِّرْ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»^{۱۶}

خداوند، سخت به خشم می‌آید که چیزی بگویند و به جای نیاورید.

«وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»^{۱۷}

چه کسی را سخن نیکوتر از سخن آن که به سوی خدا دعوت می‌کند و کارهای شایسته می‌کند و می‌گوید: البته که من از مسلمانانم.

۴. شیوایی سخن

برای تبیین مطلب و معارف اسلامی، بایستی از جملاتی روان و نزدیک به فهم و در گوش شنونده خوش آیند، بهره جست.

مبلغ دین، نباید از جملات و کلمات معلق، غریب، یعنی بیگانه و نا آشنا، یا ثقیل و بدآهنگ استفاده کند.

اول شرط گوینده این است که: مخاطب و اقتضای حال او را بشناسد و بداند برای چه گروهی سخن می‌گوید و با زبان قابل فهم برای آن گروه، مطالبش را ارائه بدهد.

زمانی در مملکت ما، نثر مشکل و به دور از فهم و نیازمند به کتب لغت، فضل بود، ولی این روش دیری نپایید و نثر ساده و بی‌پیرایه جای آن را گرفت.

متأسفانه، قبل از انقلاب، فرهنگ غرب در بین مبلغین و منبریه‌های ما هم رسوخ کرده بود. گویندگان مذهبی اسامی و واژگان غربی را در سخنرانی‌شان زیاد به کار

می‌بردند.

یادم هست، نویسنده‌ای، نام علی ابن ابیطالب، کمیل و... را در کتابش نوشته بود و معادل لاتین آنها را هم ذکر کرده بود!

مشکل نویسی و مشکل گویی خلاف صریح قرآن کریم و سیره پیامبر عظیم الشان اسلام و ائمه اطهار است.

قرآن، به لسان عربی مبین نازل شده است و پیامبر مأموریت داشته که به لسان عربی مبین سخن بگوید.

مبین، دو معنی دارد:

۱. قرآن، مجمل حرف نمی زند، حرف حساب را راست و پوست کنده می گوید.

۲. بیانش گویاست و همه می فهمند.

ما مبلغان، باید از قرآن و سیره پیامبر و ائمه درس بگیریم و با مردم، به لسان مبین، سخن بگوییم.

شجاعت

مبلغ، باید در بیان حق و مصالح مسلمانان صریح و شجاع باشد و از هیچ کس جز خدا، هراسی به دل راه ندهد.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«الذین یبلغون رسالات الله ویخشونه ولایخشون احداً الا الله وکفی بالله حسیباً»^{۱۸}

کسانی که پیامهای خدا را می رسانند و از او می ترسند و از هیچ کس، جز او نمی ترسند خدا برای حساب کردن اعمالشان کافی است.

مبلغ، نباید حرف حساب و واقعیت را از مردم مخفی کند. البته گاهی یک موضوع

است که بازگو کردنش به مصلحت جامعه نیست، که اینجا مبلغ زیرک و

مصلحت شناس و دوراندیش از بازگو کردن این چنین مطالبی خودداری خواهد کرد.

پرواضح است که مصلحت جامعه و اسلام، غیر از مصلحت شخص و گروه است.

انصاف

مبلغ باید منصفانه، همه زوایا را ببیند و مثل آئینه، منعکس کننده خوبیها باشد و بدیها، نه خوبیها را بزرگتر از حد جلوه دهد و نه بدیها را:

«المؤمن مرآة المؤمن.»

وقتی وارد یک شهر و یا یک روستا می شود، هم به نکات مثبت توجه باشد هم به

نکات منفی. از عزاداری، سینه زنی و... تعریف کند و نماز اول وقت را هم گوشزد نماید و...

بشیر و نذیر

پیامبران خدا هم بشیر بودند و هم نذیر. مبلّغ باید دارای این صفات شایسته باشد و یک بعدی و یک سونگر نباشد. در روایات ما وارد شده است که: «هادی و راهنمای خوب کسی است که مردم را بین خوف و رجاء نگهدارد».

ذوق و سلیقه

برای مبلّغ، تنها دانش و معلومات کافی نیست، بلکه باید ذوق و سلیقهٔ ارائه مطلب را داشته باشد.

در اینجا داستانی از مرحوم شرف الدّین جبل عاملی نقل می‌کنم:

یکی از علمای قم از قول ایشان نقل می‌کردند:

«یک نفر مبلّغ را برای ارشاد برخی از مسیحیان لبنان فرستادیم، پس از مدتی تبلیغ،

گفته بودند: اکنون می‌خواهیم مسلمان شویم، باید چه کنیم؟

این آقای روحانی گفته بودند: ابتدا باید ختنه بشوید!»

ایشان اضافه کرده بودند که: «درست است که «ختنه» یکی از احکام اسلام و

آداب دین است، امّا باید ذوق و سلیقه داشت و رعایت اقتضای حال را کرد. برای

تازه مسلمان، باید احکام سهل و ساده و غیرمشمّرکننده را ارائه کرد.»

ایشان دربارهٔ نتیجه این برخورد فرموده بودند: «این برخورد، اثر معکوس گذاشت. و آن

مردم، مسلمان نشدند و آن آقا را هم رد کردند.»

مرحوم سیّد شرف الدّین، یک نمونه دیگر را، که خود آن مرحوم برخورد کرده بودند و

اثر بسیار مطلوبی داشته بود، این چنین بیان فرموده بودند: «یکی از مسیحیان ثروتمند

لبنان، نزد من آمد و گفت: من می‌خواهم مسلمان بشوم. گفتم مسلمان بشوید.

گفت: وظیفه من چیست؟ گفت: دور رکعت نماز صبح بخوان و سه رکعت نماز مغرب.

گفت: مسلمانان، هفده رکعت نماز می‌خوانند.



گفتم: آنان مسلمانیشان یک مقداری قوی شده است و الا پیامبر اسلام برای تازه مسلمانان، بنا بر نقل تواریخ، دو رکعت نماز صبح و عصر می خواندند. اکنون شما که مسلمان شده اید همین اعمال را انجام بدهید کافی است.

کم کم، این آقای تازه مسلمان، قوی شد و می رفت در مساجد با دیگر نمازگزاران، طبق معمول نماز می خواند.

تا این که ماه رمضان فرا رسید، ایشان سراسیمه پیش من آمد و گفت: من هم باید روزه بگیرم؟

گفتم: خیر، روزه مربوط به کهنه مسلمانهاست.

مسلمانان صدر اسلام، بعد از مدت مدیدی که از بعثت پیامبر گذشت مأمور به روزه گرفتن شدند.

گفت: من می خواهم روزه بگیرم.

گفتم: هر اندازه که آمادگی داری روزه بگیر.»

مرحوم شرف الدین فرمودند: «این روش سبب گردید، سال دوم تمام ماه را روزه بگیرند و اکنون ایشان یکی از مسلمانان قوی لبنان است، نافله شبش ترک نمی شود و مهمترین بودجه های جنوب لبنان را ایشان تأمین می کنند.»

تلاش در راه اعتلای فرهنگ عامه
مبلغان دین در هر کجا که گام می نهند و مأمور به تبلیغ می شوند، اساس فعالیت خود را باید در جهت اعتلای فرهنگ مردم قرار دهند.
مردم تا از فرهنگ مناسبی برخوردار نباشند، توان پذیرش اندیشه دینی را نخواهند داشت.

روی این اصل، باید مبلغ به تعلیم و تربیت مردم، بویژه، نوباوگان اهمیت ویژه ای بدهد و زمینه رشد آنان را فراهم نماید.

بیشترین و هولناکترین ضربه، از برنامه آموزش و پرورش استعماری، بر ملت های مسلمان وارد شده است؛ لذا باید مبلغ دینی روی تربیت نوباوگان حساس باشد و از همان روزنه ای که استعمار به ما ضربه زده است به استعمار ضربه بزند. و به گفته

عالم ربّانی، مرحوم سیّد شرف الدّین:

«لا ینتشر الهدی، الاّ من حیث انتشر الضّلال»^{۱۹}.

هدایت انتشار نخواهد یافت، مگر از آنجا که گمراهی انتشار یافته است.

آن مرحوم، خود، به این اصل مهم در زندگانی پرمایه و با عظمتش عمل کرده است. از قول آن بزرگوار نقل کرده اند:

«من وقتی وارد شهر صور (جنوب لبنان) شدم، با وضع اسف باری روبرو شدم: مردم فقیر، بی سواد، طبقات پایین اجتماع، نه مدرسه‌ای، نه مسجدی، نه محل اجتماعی و... فکر کردم چه بکنم و از کجا آغاز کنم؟ مدرسه ساختم و اعلام کردم: فرزندان آن را به مدرسه بفرستید. مردم استقبال کردند.

مرحله به مرحله پیش رفتیم. فرزندان جنوب لبنان را تا سطح معلومات عالی پیش بردیم به جایی رسیدیم که توانستیم برای پارلمان، افراد با صلاحیت و تحصیل کرده‌ای داشته باشیم».

در اینجا به یک نمونه دیگر از حرکات فرهنگی این مصلح بزرگ اشاره می‌کنم: درباره خدمات آن بزرگ نوشته اند:

«هنگامی که شرف الدّین به شهر صور (جنوب لبنان) رفت، شیعیان ساکن این شهر، نه مسجدی داشتند برای ادای فرایض دینی و نه محلی داشتند برای تجمع و گردهمایی، شرف الدّین، خانه‌ای خرید و آن را به صورت «حسینیه» وقف کرد. مردم پراکنده بودند و از تربیتهای دینی بی بهره. او، توانست از طریق افتتاح حسینیه، مردم را گرد آورد و به تربیت آنان پردازد»^{۲۰}.

امروز به برکت انقلاب اسلامی، زمینه تبلیغ آماده است و آموزش و پرورش و دیگر نهادها، مهبای فراگیری تعالیم دینی هستند و اکنون بر حوزه‌های دینی است که همّت کنند و به نشر معانی دین پردازند.

مبارزه با زراندوزان بی درد

پیامبران و ائمه، به سخن اکتفا نمی‌کردند و منتظر نمی‌ماندند که دیگران به گفته‌های آنان عمل کنند؛ بلکه خود دامن همّت به کمر می‌زدند و برای تحقیق

آرمانهایشان اقدام می کردند.

ابراهیم، تبری بر می دارد و به بتخانه می رود و بتها را می شکند.

موسی، به دربار فرعون حمله می برد.

...

امروز مبلغان ما وظیفه دارند که خود با ناهنجاریها و نابسامانیها مبارزه کنند و در برابر اختاپوسهای اقتصادی، برآشوبند و نگذارند میکروپوار جامعه را تحلیل برند و مردمان ما را به خاک مذلت بنشانند.

در اینجا باز شما را توجّه می دهم به سیره مبلغ راستین جنوب لبنان، یعنی، مرحوم سید شرف الدین که علاوه بر مبارزه بی امان با جهل و خرافات و اختلافات و دوئیتهای امپریالیسم، برهه ای از زندگی درخشانش وقف مبارزه جدی با مالکان بزرگی می شود که مردم مظلوم جنوب لبنان را مقهور خویش ساخته بودند و بسان برده از آنان بهره می بردند.

علامه شیخ مرتضی آل یاسین در این باره چنین می نویسد:

«در آن روزگار، در لبنان، زمینداری ناهنجاری وجود داشت. توده های مردم، در برابر مالکان اختیاری از خود نداشتند و برای زندگی معنایی جز رقیّت و بردگی نمی دانستند مالکان و توانگران نمی گذاشتند که آنان معنای دیگری از زندگی درک کنند. زندگی توده های محروم، زیرپای جباران و طاغوتان خردشده بود.

چون شرف الدین، در آنجا، استقرار یافت، نتوانست آن روش خردکننده و آن استبداد بلعنده را قبول کند و در برابر بر باد رفتن حقوق محرومان ساکت بماند. شرف الدین نه از وجدان خود، نه از ایمان خود، نه از احسان خود، از هیچکدام نتوانست مجوزی دریافت کند برای سکوت در برابر زمینداری و مالکیت اقطاعی. البته در برابر او، قدرتمندان، سردمداران، زعماء، استعمارگران قرار داشتند و دیگر کسانی که از این طریق استفاده های سرشار می بردند؛ اما شرف الدین مؤمن و آگاه، آیا از اینگونه کسان می هراسید؟ هرگز. او در برابر آنان سر به شورش گذاشت و آن روش را محکوم کرد و با آنان وارد سخت ترین مبارزات شد. قدرتمندان و بهره کشان جبار در برابر او ایستادند و همه امکانات خویش را، برای مقابله با او، به کار گرفتند و همه سعی و



کوشش خود را کردند، اما سرانجام مرد حق پیروز شد و کوششهای آنان همه تباه گشت.^{۲۱}»

حوزه: با توجه به این که بستر پرورش مبلغین کارآمد و شایسته، حوزه‌های علمیه است، چه اقداماتی را برای بهبود تشکیلات تبلیغی حوزه و تربیت مبلغان آن لازم می‌دانید.

استاد: ابتدا باید برای کل حوزه‌ها طرح تشکیلاتی جامعی تهیه شود و مدیران لایق و کارآمد و دلسوز، برای اجرای آن طرح انتخاب و یا از سوی مقام معظم ولایت فقیه و رهبری امت اسلامی نصب گردند و آنگاه در بعد تبلیغات برنامه ریزی شود.

البته سخن ما در وضعیت فعلی حوزه و تبلیغات سنتی اوست، نه درباره تبلیغات ایده‌آل و کامل که آرزوی ماست.

در زمینه پرورش مبلغین کارآمد، به نظر من، چند کار باید انجام گیرد، از جمله:

۱. استعداد سنجی، تا مشخص شود چه کسانی استعداد تبلیغ را دارند.
۲. آموزش مطالب لازم برای یک مبلغ، به صورت عمومی و تخصصی.
۳. آموزش کادر مورد نیاز تبلیغ، براساس نیازهای جامعه، در سطوح: شهر، روستا، دانشگاه، دبیرستان و...
۴. برنامه ریزی برای اعزام مبلغان و بهره‌برداری صحیح از اعزامها.
۵. کنترل برنامه‌ها و مواد تبلیغی.

این طور نباشد که مبلغان به انتخاب خود موضوعی را برای مستمعین بیان کنند، بلکه باید طبق برنامه‌های تنظیمی مباحث مطرح شود و به صورت متناوب ارائه گردد تا نتیجه دقیق و مطلوب حاصل گردد. هر روستا، بخش و... که مبلغ به آنجا اعزام می‌شود باید دارای شناسنامه‌ای باشد که در آن وضعیت فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ثبت شده باشد.

حوزه: برای بهره برداری بهتر از زمینه‌های تبلیغاتی،
مانند: محرم، صفر، ماه رمضان، اعیاد، نمازهای
جمعه و جماعات چه رهنمودهایی دارید.

استاد: حوزه‌های علمیّه در بعد تبلیغات، می‌توانند از این ایام، که از نعمتهای بزرگ الهی است، بهترین بهره‌ها را ببرند.

از این روی، شایسته است، با هماهنگی ائمه جمعه و دبیرخانه ائمه جمعه و دیگر نهادهای تبلیغی، برنامه منظمی، جهت بهره‌وری از این ایام، پی ریزی شود. در این ایام، سطح فکری و فرهنگی مردم با برنامه ریزی و ارائه مطالب نو و مفید باید ارتقا یابد.

همین تبلیغات سنتی، اگر در جهت و مسیر صحیح هدایت بشود نتایج و ثمرات مطلوبی به دست خواهد آمد.

انقلاب اسلامی ایران ثمره همین تبلیغات سنتی و همین ایام الله است. حرکت و جنبش جنوب لبنان و دیگر مناطق مسلمان نشین، از همین مجالس حسینی و اجتماعات مذهبی نشأت گرفته است.

اساساً تحوّلی که در کشورها و مناطق شیعی می‌بینید و در بین اهل سنت مشاهده نمی‌شود، ریشه در این ایام دارد. اهل سنت، متأسفانه، از چنین محافل محروم‌اند و ایام تولد حضرت پیامبر «ص» و جمعه و جماعات که گردهمایی دارند، بی‌روح و بی‌تحرك و تشریفاتی است که همین را هم، وهابیت سعی می‌کند، از بین ببرد و یا به شدت کم‌رنگ کند. این که امام، رضوان الله علیه، به منبر و تبلیغات سنتی و ماه محرم و صفر، فوق العاده، اهمیت می‌دادند، برخاسته از شناخت دقیق منبرها و تبلیغات سنتی و کاربرد آنها بود.

شاهد بودیم که در انقلاب اسلامی ایران، چقدر نقش محرم و صفر و مساجد و منبرها، زیربنایی و اساسی بود.

هیچ مکتب و مسلکی، این چنین برنامه‌ای ندارند و نمی‌توانند، مردم را به این آسانی

و راحتی که ما به برکت علی بن ابی طالب و امام حسین «ع» گردآوری می کنیم، گردآوری کنند.

کدام تربیون قوی تر از تربیون روز عاشورا است؟

گروههای چپ و راست، حاضرند در تمام سال برای یک ساعت روز عاشورا برنامه ریزی کنند و وقت صرف کنند، تا در یک روز و لودر یک ساعت، اکثریت جمعیت مملکت در جلسات گوناگون سخنان آنان را بشنوند.

ما نباید از چنین روزهایی غافل باشیم. نعمت بزرگی در اختیار ماست و ما باید بهترین بهره ها را در جهت رشد و اعتلای کلمه توحید از این ایام ببریم.

حوزه: حضرت عالی که روزگاری از عمر شریفان

را در امر تبلیغ سبزی کرده اند و اکنون هم از

دمت الهی کاران تبلیغ هستید، اگر رهنمودی برای

فضلا و طلاب دارید، بنال مقدسند.

استاد: در اینجا فرصت را غنیمت می شمارم و چند نکته را به طلاب و فضلاء عزیز برادرانه، تذکر می دهم:

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جامعیت در سخن

پس از انقلاب اسلامی ایران، بیشتر، با دو گونه سخنرانی روبرو بودیم:

۱. گروهی از سخنرانان و گویندگان که عرق انقلابی داشتند، بیشتر، روی مسائل سیاسی تأکید می کردند و مسائل اخلاقی، اعتقادی و تفسیری را کمتر مطرح می کردند.

۲. گروهی از سخنرانان، که با انقلاب، همراهی چندانی نداشتند، به گونه ای مسائل را مطرح می کردند که گویی انقلابی رُخ نداده است. مباحث این دسته، بیشتر، مسائل سنتی بی ارتباط به زمان و سیاستهای جاری و گرفتاری مسلمانان بود. هردو شیوه ناقص است و غیرکارا. مبلغ دینی باید جامع سخن بگوید. در سخنرانی،

مسائل مبتلابه را مطرح و نمونه‌هایی ملموس از آیات، روایات، و فایع تاریخی و... ارائه بدهد.

از باب نمونه: در ایام میلاد حضرت رضا «ع»، مناسب است که حدیث سلسله الذهب را مطرح کنند:

«کلمة لا اله الا الله حصنی فمن قالها دخل فی حصنی ومن دخل فی حصنی امن من عذاب.»

این روایت، یکسری مباحث اعتقادی دارد و یکسری مباحث سیاسی-اجتماعی که مبلغ، می‌تواند با بهره‌گیری از این روایت شریف، جلسات متعددی درباره‌ی عرفان اسلامی، سیاست اسلامی و... برای مردم داشته باشد. نتیجه این شد که: یک سونگری در امر تبلیغ، میزان کارآیی را پایین می‌آورد و باید شدیداً از آن اجتناب شود.

سعی در ایجاد روح تسلیم و تعبد

در برهه‌ای از زمان در بین اهل منبر مرسوم بود که به تبیین فلسفه احکام می‌پرداختند. این کار مفید است، اما به همان مقداری که در قرآن ذکر شده و در روایات قطعیه وارد شده است. که مبلغ دین باید با صرف وقت و مطالعه دقیق و همه‌جانبه، آنچه را که در لسان شرع آمده، برای مردم تشریح کند: علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اما اگر مبلغ بخواهد با تکیه بر ذوقیات و مطالعه یکسری مطالب غیرمتقن به این مسأله مهم بپردازد، ره به جایی نخواهد برد.

اگر ما، مردم را عادت بدهیم که هر جا فلسفه اش را فهمیدند عمل کنند و هر جا

نفهمیدند عمل نکنند، خیلی خطرناک است.

باید به مردم، فهماند که: ما، فلسفه احکام را نمی‌دانیم. ما که پیغمبر نیستیم، فلسفه همه احکام را بدانیم. بله، فلسفه برخی از احکام را که در قرآن و روایات آمده است و یا بعضی از دانشمندان تذکر داده‌اند، می‌دانیم. برخی از قواعد احکام را، که به عقل ناقص ما می‌رسد، می‌دانیم و... مهم این است که: در جامعه، با استدلال، روحیه تعبد و تقلید حاکم شود. روحیه تسلیم در برابر احکام الهی؛ زیرا اسلام، به

معنی تسلیم است. قرآن، کسی را مؤمن می داند که تسلیم احکام الهی باشد:

«فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم ثم لا يجدوا في انفسهم حرجاً مما قضيت ويسلموا تسليماً»^{۲۲}.

نه، سوگند به پروردگارت که ایمان نیاورند مگر آن که در نزاعی که میل آنهاست، تو را داور قرار دهند و از حکمی که تومی دهی هیچ ناخشنود نشوند و سراسر، تسلیم آن گردند.

حضور در صحنه

توصیه من به طلاب عزیز حوزه علمیه این است که هیچ گاه مأیوس و سرخورده نشوند و با مشکلات و موانع، دست و پنجه نرم کنند.

همیشه و با هشیاری تمام، امور مربوط به حوزه های علمیه را دنبال کنند و در برنامه های حوزه، حضور فعال داشته باشند و ضمن تذکره به مسئولین، آنان را در اداره بهتر حوزه یاری کنند؛ زیرا، خواست امام راحلمان این بود که طلاب جوان و کتک خورده و جبهه رفته، در برنامه ریزی حوزه ها، سهیم و حضور فعال داشته باشند و بر این نکته، مقام معظم رهبری هم تأکید فرموده اند.

از خداوند بزرگ، مجد و عظمت اسلام و حوزه های علمیه و روحانیت معظم، این پاسداران شریعت نبوی و ولایت علوی را خواستارم.

پرتال جامع علوم انسانی



۱. «سوره یس»، آیه ۲۰، ۲۱، ۲۲.
۲. «بحار الانوار»، ج ۲/۲.
۳. «سوره فصلت»، آیه ۳۳.
۴. «سفینه البحار»، ج ۱/۲۰۰.
۵. «نهج البلاغه»، حکمت ۳۷۲.
۶. «سوره طه»، آیه ۲۷، ۲۸.
۷. «سوره اعراف»، آیه ۶۲.
۸. «سوره اعراف»، آیه ۶۸.
۹. «سوره نحل»، آیه ۲۵.
۱۰. «سوره احزاب»، آیه ۳۹.
۱۱. «نهج البلاغه»، خطبه ۱۰۸.
۱۲. «سوره انعام»، آیه ۱۱۲، ۱۳۳.
۱۳. «سوره بلد»، آیه ۱، ۲.
۱۴. «سوره توبه»، آیه ۱۲۱.
۱۵. «سوره نحل»، آیه ۷۶.
۱۶. «سوره صف»، آیه ۳.
۱۷. «سوره فصلت»، آیه ۳۳.
۱۸. «سوره احزاب»، آیه ۳۹.
۱۹. «شرف الدین»، محمّد رضا حکیمی، ۱۹۸/.
۲۰. «همان مدرک»، ۱۶۸/.
۲۱. «همان مدرک»، ۱۹۴-۱۹۵.
۲۲. «سوره نساء»، آیه ۶۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی